

[بیان پنجم عدم جریان استصحاب در صورت چهارم مجهول التاریخین 2](#_Toc502378190)

[اشکال مرحوم آقا ضیاء به این تقریب: 2](#_Toc502378191)

[صور حادثان معلوم التاریخ احدهما 3](#_Toc502378192)

[الف. ترتب اثر بر مفاد کان تامه 3](#_Toc502378193)

[ب و ج. ترتب اثر بر مفاد کان ناقصه و موجبه معدولۀ المحمول 4](#_Toc502378194)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسم چهارمِ حادثین مجهول التاریخ بود که اثر برای عدم حادثی نسبت به حادث دیگر بود.

متحصل بحث در چهار صورتِ حادثین متعاقبین مجهول التاریخ این شد که مرحوم آخوند استصحاب در صورت اول را به حسب مقتضی، تمام دانستند، ولی در بقیه صور، مقتضی را تمام ندانستند.

برای عدم جریان استصحاب در صورت چهارم، چهار بیان ذکر شد که البته هیچ یک صلاحیت منع جریان استصحاب را نداشتند.

یک بیان هم در کلام مرحوم خویی برای عدم جریان استصحاب ذکر شده است که قابل ذکر مستقل نیست. خلاصه بیان این است که از آن جا که در دلیل استصحاب بعد از یقین، تعبیرِ (فَشَکَّ) به کار رفته است، پس زمان وصف یقین، باید متأخر و متصل به زمان شک باشد. در موارد شبهه انفصال، احراز اتصال نمی شود و لذا استصحاب جاری نیست. در مورد بحث نیز، اتصال، احراز نمی شود.[[1]](#footnote-1)

این کلام ایشان صحیح نیست و کسی قائل نشده است که زمان شک باید متأخر و متصل به زمان یقین باشد. علماء حتی در فرضی که یقین بعد از شک، پیدا شود نیز استصحاب را جاری دانسته اند، مثل این که در ابتداء، بدون این که علم به وضوی سابق داشته باشیم، شک در طهارت حدثی کنیم و سپس یقین به وضوی سابق پیدا کنیم که در این جا، قطعا استصحاب جاری است. آن چه که رکن استصحاب است، تأخر زمان مشکوک است، نه زمان شک.

بیان پنجم عدم جریان استصحاب در صورت چهارم مجهول التاریخین

بیان پنجم عدم جریان استصحاب در مورد بحث، در کلام محقق عراقی ذکر شده است. محصل بیان، این است که وقتی علم اجمالی به تحقق کریت و ملاقات به شکل غیر متعین داریم، پس علم اجمالی به تحقق کریت در یکی از ساعت دوم یا سوم، داریم. از آن جا علم اجمالی به واقع خارجی تعلق می گیرد، کریت خارجی ساعت دوم یا سوم، مورد علم ماست.

در مورد استصحاب کریت، ممکن است ملاقات در ساعت سوم محقق شده باشد، پس احتمال دارد که عدم کریت تا ساعت سوم استصحاب شده باشد که در این صورت عدم کریت، به کریت در ساعت دوم که معلوم ماست، نقض شده است. پس ممکن است استصحاب تا زمانی جاری شود که علم به انتقاضِ قبل از زمان مشکوک، وجود داشته باشد و لذا استصحاب مورد بحث، شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است.

اشکال مرحوم آقا ضیاء به این تقریب:

مرحوم محقق عراقی به این تقریب این گونه اشکال کرده اند که:

اولا این مبنا فاسد است و علم اجمالی به خارج تعلق نمی گیرد. علم اجمالی به جامع تعلق می گیرد. متعلق علم اجمالی، صورت ذهنیه است، نه فرد خارجی.

هیچ وقت این صورت ذهنیه، منطبق بر خارج نیست تا آن وجود خارجی بخواهد طرف اضافه قرار گیرد. بله، ممکن است حکایت آن کند، ولی نه به شکل انطباق، بلکه از باب تردید. صورت ذهنیه اجمالی بر فرد خارجی تفصیلی، تطبیق نمی شود. هیچ یک از کریت ساعت دو یا سه، بخصوصه مورد علم ما نیست. تطبیق صورت اجمالی بر فرد تفصیلی، خلف اجمالی بودنش است.

نه تنها به وجود خارجی تعلق نگرفته است، بلکه به صورت ذهنیه وجود خارجی هم تعلق نمی گیرد؛ چرا که صورت ذهنیه وجود خارجی، دارای تفصیل است، ولی معلوم بالاجمال، دارای اجمال است. انطباق صورت ذهنیه در علم اجمالی، بر صورت فرد خارجی تفصیلی، محال است.

صورت ذهنیه، احتمال انطباق بر فرد خارجی به وصف معلومیت را ندارد، اگر چه احتمال انطباقِ صرف را دارد.

ثانیا بر فرض که علم اجمالی به خارج تعلق بگیرد، لکن وجود علم اجمالی، منافات با وجود شک فعلی ندارد. به هر حال، علم به انتقاض وجود ندارد و صرفا شک در تحقق کریت، قبل از زمان جریان استصحاب داریم. علم تفصیلی با شک جمع نمی شود، ولی علم اجمالی با شک فعلی جمع می شود. آن یقینی مانع جریان استصحاب است که شکی همراهش نباشد.

احتمال ناقض واقعی مضرّ نیست و اصلا استصحاب برای رفع موارد شبهه مصداقیه ناقض واقعی است. آن چه که ناقض یقین است، یقین به وجود ناقض است، نه صرف وجود ناقض واقعی.

##### صور حادثان معلوم التاریخ احدهما

بحث در حادثان مجهول التاریخ به پایان رسید. مرحوم آخوند بعد از این بحث، وارد صورت علم به تاریخ یکی از حادثین می شوند.[[2]](#footnote-2) در این جا هم از استصحاب حادث معلوم التاریخ بحث می شود و هم از استصحاب حادث مجهول التاریخ. صورت های ذکر شده در این نوع حادثان، مثل صور حادثهای مجهول التاریخ می باشد و مرحوم آخوند، عین همان مطالب را اینجا بیان کرده اند.

###### الف. ترتب اثر بر مفاد کان تامه

صورت اول این است که اثر برای خصوص وجود یکی از حادث ها، به لحاظ یکی از اوصافِ تقدم یا تأخر یا تقارنش، نسبت به حادث دیگر می باشد. در این صورت، حادث ذی اثر، به لحاظ بیش از یک وصفش، اثر ندارد و نیز حادث دیگر هم اثری ندارد، وگرنه استصحاب ها با هم معارضه می کنند.

مرحوم آخوند در مورد این صورت، قائل به جریان استصحاب و عدم وجود معارض شده اند. جریان استصحاب در این صورت، فرقی با استصحاب در فرض مفاد کان تامه در مجهولی التاریخ ندارد. برای مثال اگر زمان یکی از رکوع مأموم و رفع رأس امام، معلوم باشد، می توان با استصحابِ عدم تحقق رکوع متقدم بر رفعِ رأس امام (مفاد لیس تامه)، نفی حکم ادراک جماعت کرد. در آن زمانی که ذات رکوع مأموم نبود، این ذات با وصف تقدم هم نبود، پس الان هم که شک داریم، استصحابش را جاری می کنیم.

باید توجه داشت که علم به زمان ذات حادث، غیر از علم به آن ذات با وصف خاص است و صرف علم به تحقق ذات حادث در زمان خاص، باعث نمی شود که علم به تحقق آن ذات با وصف خاص در آن زمان، داشته باشیم.

مثال دیگر این که علم به تحقق کریت عند الزوال و نیز ملاقات وجود دارد و شک در تقدم و تأخر آن ها داریم. در این جا در صورتی که کریت اثر داشته باشد، استصحاب عدم کریت عند الملاقات، به نحو لیس تامه، نفی این اثر (اعتصام) را می کند. موضوع حکم اعتصام این است که کریت و ملاقات، مقارن هم محقق باشند.

البته مرحوم نائینی، کریت عند الملاقات را هم برای تحقق اعتصام، کافی نمی دانند و مستفاد از ادله را این می­دانند که قبل از ملاقات، کریت محقق باشد.

اگر هم ملاقاتِ قبل از کریت، موضوع اثر شرعی باشد، استصحاب عدم ملاقات قبل از کریت را جاری می کنیم.

###### ب و ج. ترتب اثر بر مفاد کان ناقصه و موجبه معدولۀ المحمول

بعد مرحوم آخوند صورت دوم و سوم را با هم بیان می کنند. صورت دوم این بود که اثر برای وجود نعتی (وجود متصف به قبلیت و یا بعدیت یا مقارنت) مترتب باشد و صورت سوم هم این بود که اثر برای وجود متصف به عدم در حال وجود حادث دیگر، مترتب باشد. (در مقابل صورت رابعه که اثر برای نفس عدم است.) مرحوم آخوند قائل به عدم جریان استصحاب در این دو صورت شده اند.

1. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج3، ص183.](http://lib.eshia.ir/13046/3/183/تشمل) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص421.](http://lib.eshia.ir/27004/1/421/علم) [↑](#footnote-ref-2)